استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

پیروی از دستورات نماینده ولی فقیه

س) اشخاصی که (چه لشکری و چه دولتی) منصوب ولی فقیه در یک جامعه اسلامی می‌باشند، آیا همان ولایتی که حضرت آقا بر سایرین دارند را (این اشخاص هم) بر زیر دستان خودشان خواهند داشت؟

ج) اگر اشخاص مذکور دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به ایشان واگذار شده است، صادر کرده باشند، مخالفت با آنها جایز نیست.

اطاعت از ولی امر مسلمین در مسائل عمومی مسلمانان

س) آیا در یک کشور خارجی برای مردم آن کشور، عمل به دستورات ولی فقیه، واجب و لازم الاجرا است؟

ج) در مسائل و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولیّ امر مسلمین باید اطاعت شود ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

ولایت فقیه، تقلیدی است یا اعتقادی؟

س) آیا ولایت فقیه، تقلیدی است یا اعتقادی؟ کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ج) ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می‌باشد، با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادلّه شرعی استنباط می‌شوند و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

تکلیف مقلدان در صورت تعارض فتوای ولیّ امر مسلمین با فتوای مراجع تقلید

س) در صورت تعارض فتوای ولیّ امر مسلمین با فتوای یکی دیگر از مراجع محترم تقلید در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، وظیفه شرعی مقلدان آن مرجع تقلید چیست؟

ج) در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد؛ باید نظر ولیّ امر مسلمین اطاعت شود؛ ولی در مسائل فردی محض، هر مکلف باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

اطاعت از مسئول مافوق

س) آیا با توجه به سلسله مراتب در سازمان بسیج مستضعفین، آیا فرمانده پایگاه نیز همان ولایتی را دارد، که مد نظر اسلام است؟آیا ولایتی که فرمانده پایگاه دارد، فقط برای بسیجیان است؟ یا برای غیر بسیجیان نیز ولایت دارد و فرمان پذیری از ایشان واجب است؟

ج) موارد مختلف است، اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آن جایز نیست.

تصرف در مشاعات آپارتمانی

س) در قوانین آپارتمان‌نشینی و تصرف در مشاعات، قانون در برخی از موارد، هرگونه تصرفی را منوط به رای اکثریت کرده است؛ ولو اقلیت ناراضی باشند. با توجه به قانون نامبرده، در جایی که تصرف در مشاعات موجب رفع خسارت شود مثلا ایزوگام پشت‌بام خراب شده و برخی بخصوص طبقات پایین حاضر به تعمیر نیستند، آیا رضایت آنها شرط است؟ آیا مبلغ خسارت را هم می‌شود از اقلیت ناراضی به نسبت دریافت کرد؟ همچنین در جایی که تصرف موجب خسارت نیست؛ ولی ارزش کالای مشاع را بالا می‌برد مثل نمای ساختمان و گذاشتن راه پله و آسانسور و اکثریت راضی به آن هستند، آیا مخالفت اقلیت تاثیر دارد؟ آیا می‌شود مبلغ هزینه را به نسبت از اقلیت گرفت؟

ج) اگر قانونی در این زمینه بوده یا شرطی وجود داشته باشد که این تصرفات مطابق آن مجاز باشد، عدم رضایت دیگران تأثیری ندارد و این تصرفات جایز است؛ در غیر این صورت رضایت همه مالکان شرط است.

نیکوکار مسلمان و نیکوکار غیرمسلمان

فرق بین نیکوکار مسلمان و نیکوکارغیرمسلمان را می توان چنین بیان کرد که نیکوکار مسلمان همچون مریضی است که تحت مراقبت و دستور یک طبیب حاذق برنامه دارد، غذا و داروش همه به دستور طبیب است،هم از لحاظ نوع دوا و غذا و هم از لحاظ وقت آن و هم از لحاظ اندازه آن، کاملا طبق دستور عمل می کند.

ولی نیکوکارغیرمسلمان همچون مریضی است که برنامه ندارد و خودسرانه کار می کند، هر غذا یا دارویی که به دستش می رسد، می خورد، چنین مریضی ممکن است احیانا یک دوای مفید بخورد و نتیجه خوب بگیرد ولی همین‌طور هم ممکن است دوایی را که زیانبار و مهلک است مورد استفاده قرار دهد، همچنین ممکن است یک غذای مناسب بخورد ولی با ناپرهیزی بعدی و خوردن غذای نامناسب اثر مفید غذای اول را هم خنثی کند.

با این بیان روشن می شود که تفاوت بین مسلمان و خداشناس غیرمسلمان این است که مسلمان، خداشناسی است که برنامه صحیح دارد ولی خداشناس غیرمسلمان کارهایش بدون برنامه صحیح است، به عبارت دیگر مسلمان هدایت یافته است، غیرمسلمان هرچند خداشناس باشد، هدایت نایافته است. قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: فان اسلموا فقداهتدوا (آل عمران، آیه ۲۰)؛ اگر تسلیم برنامه محمدی شدند، پس راه را یافته‌اند.

*** شهید مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۱۴۳ و ۲۴۳**

آزادگی و بردگی

بعضی از مردم چنین می پندارند که همینکه مملوک کسی دیگر نبودند و به اصطلاح زرخرید نبودند، دیگرآنها آزاده‌اند، دیگر نمی‌دانند هزارنکته باریکتر از مو اینجاست، نمی‌دانند اسارت و بندگی،هزارنوع و هزارشکل دارد، نمی‌دانند که بندگی طمع و آز هم بندگی است، اسارت در قید عادات جاهلانه هم بندگی است، پول‌پرستی هم بندگی است:

بیتی از عنصری بیارم کز وی — خوب‌تر و نغزتر رقم نتوان کرد
دانش و آزادگی و دین و مروت — این‌همه را بنده درم نتوان کرد

... در تاریخ، شواهد زیادی هست از کسانی که از لحاظ قانون مالکیت، غلام و برده و مملوک بودند ولی از لحاظ روح و عقل و فکر در منتهای آزادی بودند. مگر لقمان حکیم که قرآن کریم سوره ای به افتخار راه ونام او اختصاص داده، برده و بنده نبود؟

در عین حال از لحاظ عقل و روح و اخلاق در منتهای آزادمنشی به سر می برد و شواهد زیادتری همیشه درجلو چشم خود می بینیم از کسانی که به حسب قانون مالکیت آزادند ولی اسیر و برده‌اند، عقل و فکرشان برده است، روح و دلشان برده است، شهامت و اخلاقشان برده است، قرآن کریم می فرماید: « بگو زیان کرده واقعی آن کسانی هستند که خودشان را باخته‌اند و شخصیت انسانی خود را از دست داده‌اند.»(زمر/۱۵)

اینکه کسی در صحنه زندگی، جامه خود را ببازد، یا خانه و مسکن خود را ببازد، یا پول و ثروت خود را ببازد، یا مقام اجتماعی خود را ببازد، آن‌قدر مهم نیست که کسی شخصیت معنوی و انسانی خود را ببازد، حریت و شهامت خود را ببازد، شجاعت خود را ببازد، وجدان و قلب حساس خود را ببازد، عقل و ایمان خود را ببازد، روح استغنا و فتوت خود را ببازد.

مردم همان طوری که علی(ع) فرمود دو دسته‌اند:

یک دسته در بازار این جهان خود را می‌فروشند، به پول و مقام و هوا و هوس و تجمل و مد و تقلید؛ و دسته دیگر در این بازار خود را خریداری می کنند و شخصیت واقعی و انسانی خود را باز می یابند.... در این بازار آن نرخی را به رسمیت می شناسند که قرآن تعیین کرد که هیچ چیز ارزش ندارد که آدمی خود را به آن بفروشد....

*** شهید مرتضی مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، صص ۹۲ و ۳۰**

زمینه‌های بهره‌گیری از رحمت خداوندی

مهدی یوسفیان

رحمت در لغت به معنای نرمی و نرمخویی است که نیکی کردن به مورد رحمت را اقتضا می‌کند و گاهی به معنی مهربانی و نرم دلی به طور مجرد و گاهی در معنای احسان و نیکی کردن که مجرد از رقت است به کار می‌رود.

در آیات قرآن، هر گاه خداوند با این واژه وصف شود، چیزی جز احسان مجرد و بدون رقت و رحم دلی نیست. این معنا در قرآن به وسیله واژه روح نیز بیان می‌شود. بنابراین واژگان روح و رحم گاه در یک معنای نزدیک به هم در قرآن به کار رفته است. با این همه نمی‌توان از تفاوت‌های لطیف و نکته‌های ظریف به کارگیری دو واژه چشم‌پوشی کرد.

رحمت خداوند شامل رحمت رحمانی و رحمت رحیمی است که رحمت در شکل رحمانیت آن به همه موجودات می‌رسد و هیچ موجودی بیرون از بهره مندی از رحمت رحمانی الهی نمی‌باشد؛ زیرا بی‌رحمت رحمانی هرگز هیچ موجودی آفریده نمی‌شد و در موجودیت خود باقی نمی‌ماند. از این رو همگان از کافر و مؤمن از رحمت رحمانی بهره می‌برند. اما رحمت رحیمی، رحمتی اختصاصی است که شامل همه انسان‌ها نمی‌شود و برای برخورداری از آن باید شرایطی را ایجاد کرد.

البته از آنجا که رحمت رحمانی نیز مراتب و درجات متعدد و متنوعی دارد، بهره مندی از کف رحمت رحمانی برای همگان امری طبیعی است ولی بهره‌مندی از سطح بالای آن نیازمند ایجاد شرایط و مقتضیاتی است. نویسنده در این نوشتار کوتاه به زمینه‌ها و موانع بهره مندی از رحمت رحمانی و رحیمی اشاره کرده است.

***

جلوه‌هایی از رحمت الهی

بی گمان رحمت الهی، نخستین تجلی ذات الهی پس از تجلی حیات با لوازمش می‌باشد؛ زیرا بی‌جلوه‌گری رحمت هرگز چیزی آفریده نمی‌شد. (انعام آیه ۱۲ و فرقان آیه ۵۹ و نبا آیه ۳۷)از این رو خداوند می‌فرماید که رحمت الهی بر غضبش سبقت جسته است. سبقت جویی رحمت بر غضب الهی به معنای تحقق بخشی و ایجاد هر موجودی است. این معنا را می‌توان از آیه ۱۱۹ سوره هود به دست آورد که در آن با اشاره به علت خلقت انسان می‌فرماید که خداوند براساس رحمت انسان را آفریده است. (مجمع البیان، ج ۵ و ۶، ص ۳۱۱)

خلقت آسمان و قرار گرفتن آن در بالای سر انسان (الرحمن آیات ۱ تا ۱۰) و خلقت زمین و بهره مندی انسان از آن (همان) در کنار خلقت انسان به‌ویژه از گل خشک و تبدیل شدن آن به همانند سفالی محکم و استوار (الرحمن آیات ۱ تا ۱۴) و نیز خلقت جنیان از شراره‌های آتش (الرحمن آیات ۱ تا ۱۵)همه جلوه‌هایی از رحمت رحمانی الهی است؛ زیرا در این آیات همه این امور به رحمت رحمانی الهی نسبت داده شده و همگی خبر برای مبتدای الرحمن می‌باشد. (التحریر و التنویر، ج ۱۳، ص ۲۳۲ و ۲۴۱ و ۲۴۵)

آیه ۵ سوره طه، حاکمیت و اصالت رحمت الهی در نظام آفرینش را مطرح می‌کند که خود بیانگر اهمیت و ارزش رحمت در نظام هستی می‌باشد. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: گزینش عنوان رحمان، هنگام وصف خداوند به فرمانروایی جهان، بیانگر این معناست که تدبیر جهان بر اساس رحمت الهی انجام می‌پذیرد.(المیزان، ج ۱۴، ص ۱۲۱)

همین جلوه‌گری رحمت الهی پیش از هر نام دیگر، موجب شده است که رحمت خداوندی بر غضب و عذاب هلاکی وی مقدم شود، چنان‌که آیات ۱۴۷ سوره انعام، ۴۹ و ۵۰ سوره حجر و ۵۷ سوره اسراء بر این مطلب تاکید کرده است.

رحمت الهی جلوه‌گری‌های بسیار در هستی به‌ویژه در زندگی بشر دارد که در این‌جا به برخی از جلوه‌های رحمت الهی اشاره می‌شود.

خداوند در آیه ۴۸ و ۵۰ سوره روم از جمله جلوه‌های رحمت الهی را زنده کردن زمین با رویاندن گیاهان و به ثمر نشستن درختان میوه می‌داند و از مردمان می‌خواهد تا در این مسئله تفکر کنند و دریابند که چرا باید خداوند یکتا را بپرستند و از وی یاری جویند و امید به وی داشته باشند.

برافراشتگی آسمان نیز از دیگر جلوه‌های رحمت عام و گسترده خداوندی است که همه موجودات هستی از آن برخوردار می‌باشند.(الرحمن، آیات ۱ تا ۷)

در همین رابطه می‌توان به باران و ریزش آب از آسمان (اعراف آیه ۵۷ و فرقان آیه ۴۸ و نمل آیه ۶۳ و شوری آیه ۲۸) آفرینش چارپایان در جهت بهره مندی انسان (نحل آیه ۵ و ۷) حفاظت از زمین و امنیت بخشی به آن و جلوگیری از برخورد کرات و سیارات و اجرام دیگر آسمانی با زمین (حج آیه ۶۵) ایجاد رزق و تقسیم آن بین همه موجودات هستی به‌ویژه انسان (زخرف آیه ۳۲) و ده‌ها امر طبیعی و نعمت‌های عامی که انسان و دیگر موجودات از آن بهره‌مند می‌شوند، به عنوان جلوه‌های رحمت رحمانی خداوند در هستی اشاره کرد.

افزون بر این برای رحمت رحمانی و نیز رحیمی خداوند در همین دنیا برای انسان می‌توان جلوه‌های بسیاری در حوزه تکوین و تشریع برشمرد که به برخی از آنها به صورت اجمالی اشاره می‌شود. مسلما مجموعه جلوه‌های رحمت رحمانی و رحیمی خداوند در حوزه‌های تکوینی و تشریعی بیش از آن است که در یک نوشتار کوتاه بشود به آنها پرداخت. ولی برای تبیین مطلب جلوه‌های الهی را به دو شکل رحمت تکوینی و تشریعی در ادامه بحث مورد اشاره قرار می‌دهیم.

جلوه‌هایی از رحمت تکوینی

رحمت تکوینی الهی، همه امور و موضوعاتی است که انسان در زندگی خود بدان نیازمند است. از این رو می‌توان به خلقت شب که بستر سکون و آرامش انسان را فراهم می‌آورد، به عنوان یکی از جلوه‌های رحمت تکوینی اشاره کرد. (قصص،آیه ۷۳)

در همین رابطه حرکت منظم خورشید و ماه (الرحمان آیات ۱ تا ۵)، نظم و اتقان آسمان‌ها و عدم وجود اختلاف در آنها و هماهنگی میان آنها(ملک آیه ۳) توانایی بیان و یادگیری علوم از راه نطق، نوشتن،خط، قدرت فهم و نیز تفهیم و تفهم (الرحمن آیات ۱ تا ۴)حفظ جان مؤمنان به روش‌های مختلف (فتح آیه ۲۵ و المیزان، ج ۱۸، ص ۲۸۸) حرکت کشتی‌ها بر روی آب در رودها و دریاها(اسراء آیه ۶۶ و حج آیه ۶۵) حفاظت زمین ازهرگونه آسیب (حج آیه ۶۵) تسخیر موجودات زمین به دست انسان (حج آیه ۶۵) بارش باران (اعراف آیه ۵۷ و فرقان آیه ۴۸) و خلقت چارپایان و بهره‌مندی انسان از آنها در راستای تغذیه و حمل‌ونقل و امور دیگر(نحل آیات ۵ و ۷) و نیز توانایی انسان در بهره‌گیری از ابزارها و قانون سنجش و محاسبه (الرحمن آیات ۱ تا ۷) را می‌توان در راستای تبیین جلوه‌هایی از رحمت رحمانی خداوند در حوزه امور تکوینی بر شمرد که انسان‌ها از آن برخوردارند.

جلوه‌های رحمت تشریعی

با این همه خداوند به انسان به عنوان خلیفه خویش در زمین توجه خاصی داشته است که به دوشکل رحمت رحمانی و عام و رحمت رحیمی و خاص در امور تشریعی را بر وی بگشاید وشخص به اسلام در آید و از هدایت‌های خاص و عام پیامبران(دخان آیه ۵ و ۶) به‌ویژه پیامبراسلام بهره مند شود.(جاثیه آیه ۱۸ و ۲۰)، تزکیه و طهارت مردمان (نور آیه ۲۱) تعلیمات و تذکرات و پندهای خداوند (قصص آیه ۴۳ و ۴۶) اینها همه نشانه‌هایی از رحمت تکوینی مرتبط با رحمت تشریعی خداوند در حق انسان‌هاست که در این آیه و آیات دیگر به آن توجه داده شده است.

در حقیقت خارج کردن از ظلمت‌ها و هدایت به نور از آثار رحمت الهی وجلوه‌ای از رحمانیت او می‌باشد که در آیه ۹ سوره حدید به آن اشاره شده است.

در حوزه تشریعی می‌توان به آسانی احکام (بقره آیه ۱۷۳ و ۱۷۸ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و نساء آیات ۲۵ و ۲۸)، انعطاف پذیری احکام و تکالیف دینی (بقره آیه ۱۷۳ و مائده آیه ۳ و انعام آیه ۱۴۵ و نحل آیه ۱۱۵) میانه‌روی و قرار دادن اسلام درآن (بقره آیه ۱۴۳)، مهلت‌دهی به جوامع و اجتناب از نابودی مردمان کافر و بی‌ایمان (انعام آیات ۱۲۹ تا ۱۳۳)، مهلت بخشی به اشاعه‌دهندگان فحشا و منکر و نیز منافقان به منظور توبه و اصلاح خویش (نور آیات ۱۹ و ۲۱ احزاب آیه ۲۴)، انذار خلق از سوی پیامبران (قصص آیه ۴۶)، تشریع حجاب و پوشش مناسب برای زنان (احزاب آیه ۵۹) و تشریع بسیاری از احکام چون تشریع لعان برای اثبات ادعای زنان به وسیله شوهر و دفاع زن از خود با همین روش (نور آیات ۶ تا ۱۰) تشریع قبله و تغییر آن از بیت‌المقدس به سوی کعبه و مسجدالحرام (بقره آیه ۱۴۳ و ۱۴۴) تعلیم کتب آسمانی از تورات و انجیل و قرآن (انعام آیه ۱۵۴ و هود آیه ۱۷ و الرحمن آیات ۱ و ۲)، حلیت تجارت سالم همراه با رضایت طرفین بی‌هیچ‌گونه سختی و شرایط دشوار(نساء آیه ۲۹)، حلیت غنایم جنگی (انفال آیه ۶۹) حمایت از خانواده (انبیا آیات ۸۳ و ۸۴ و ص آیات ۴۱ و ۴۳) و نیز حمایت از یتیمان (کهف آیه ۸۲)، سقوط حد از محاربان مفسد در صورت توبه پیش از دستیابی به آنها (مائده آیه ۳۳ و ۳۴)، معافیت از جهاد برای افراد ضعیف و بیمار و تهیدست (توبه آیه ۹۱) و مغفرت و توبه(آل عمران آیه ۳۱ و احزاب آیه ۵) به عنوان نمونه‌هایی از جلوه‌گری رحمت الهی در زندگی بشر اشاره کرد.

همچنین رشد و بالندگی اهل ایمان (نور آیه ۲۱) رفع کینه‌ها و تزکیه قلب‌های مؤمنان از بدخواهی نسبت به یکدیگر(حشر آیه ۱۰) رفع گناه اصلاح وصیت‌های ناعادلانه میت (بقره آیه ۱۸۲) ایجاد سرور و شادی حقیقی در جان آدمی (یونس آیه ۵۸ و روم آیه ۳۶) خوشنامی و بلند آوازگی (مریم آیه ۵۰) تبدیل بدی‌ها به خوبی‌ها به وسیله توبه (فرقان آیه ۶۸ و ۶۹) تبدیل قصاص به دیه (بقره آیه ۱۷۸) تحریم قتل نفس و خودکشی (نساءآیه ۲۹) تحریم قذف و تهمت ناروا به مردان و زنان پاکدامن (نور آیه ۴ و ۱۰) از دیگر جلوه‌های رحمت خداوندی است.

زمینه‌های رحمت

برخی از رحمت‌های الهی در حوزه‌های تکوینی و تشریعی از مصادیق رحمت عام و همگانی خداوند است که از آن به رحمت رحمانی تعبیر می‌شود. اما برای دستیابی به رحمت‌های خاص که از آن به رحمت رحیمی یاد می‌شود، باید شرایط و بستری مناسب فراهم آورد. در این‌جا به برخی از شرایطی که در آیات قرآن بر آن تاکید شده اشاره می‌شود.

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین زمینه‌های برخورداری از رحمت رحیمی می‌توان به ایمان (بقره آیه ۲۱۸ و نساءآیه ۲۹) و اطاعت از خدا(آل عمران آیه ۱۳۲ و توبه آیه ۷۱ و حجرات آیه ۱۴) و اطاعت از پیامبر اکرم (ص) (آل عمران آیات۳۱ و ۳۲ و توبه آیه ۷۱ و ۱۱۷) اشاره کرد.

قرآن دوری از تجسس در عیوب و کاستی‌های مؤمنان (حجرات آیه ۱۲) و بدگمانی نسبت به یکدیگر(همان) دوری از بدگویی در غیاب یکدیگر(همان) و استغفار و توبه (بقره آیه ۱۹۹ و نساء آیات ۱۰۶ و ۱۱۰) را از جمله عللی بر می‌شمارد که زمینه مناسبی برای رحمت رحیمی فراهم می‌آورد.

ادب و مراعات آن در هر حال به‌ویژه در ملاقات با پیامبر(ص) و اولیای الهی (حجر آیات ۴ و ۵) و استماع قرآن (اعراف آیه ۲۰۴) و اصلاح مفاسد (بقره آیه ۱۶۰) و صلح و سازش همراه با رعایت تقوا در محیط خانواده و به‌ویژه با داشتن چند همسر (نساءآیه ۱۲۹) و اصلاح وصیت ناعادلانه از جانب وصی و آشتی بین وارثان (بقره آیه ۱۸۲) و اصلاح و جبران گذشته از جانب مرتدان (آل عمران آیات ۸۶ و ۸۹) و اصلاح ذات البین (حجرات آیه ۱۰) و استرجاع صابران هنگام مصیبت (بقره آیه ۱۵۵ و۱۵۷) و اعتراف به گناهان در پیشگاه احدیت و استغفار و توبه از آن (توبه آیه ۱۰۲) از دیگر اموری است که به عنوان زمینه‌های رحمت رحیمی در آیات قرآن بر آن تاکید شده است.

اگر بخواهیم همه مواردی که زمینه‌ساز این مهم است بر شماریم باید بیش از ده‌ها بلکه صدها مورد را بر شمرد که خداوند به صراحت در آیات به عنوان زمینه‌های رحمت رحیمی بدان اشاره کرده است.

در یک کلمه می‌توان گفت ایمان واقعی و حقیقی و اطاعت محض از آموزه‌های قرآن و سنت بهترین زمینه‌ساز برای دستیابی به رحمت رحیمی است که در قرآن به آن اشاره شده است.

موانع رحمت

در این‌جا به برخی از موانع رحمت رحیمی و رحمت رحمانی اشاره می‌شود. قرآن در آیه ۲۲۶ سوره بقره استمرار سوگند بر ترک‌آمیزش با همسر را مانع بهره‌مندی از رحمت خاص خداوند بر می‌شمارد و تاکید می‌کند که برای دستیابی به رحمت رحیمی باید شخص، حقوق همسری را به طور کامل رعایت کند و سوگند خود را استمرار نبخشد. از دیگر علل محرومیت از رحمت رحمانی و رحیمی اشاعه فحشاء در میان مردمان و مؤمنان است که آیه ۱۹ و ۲۰ سوره نور بر آن تاکید می‌کند.

انتظار حوادث ناگوار برای مؤمنان از سوی منافقان و بیماردلان(حدید آیات ۱۳ و ۱۴) انتظار مرگ پیامبر(همان) و بی‌ایمانی نسبت به خدا و پیامبر(اعراف آیه ۷۲) پیروی از شیطان (نور آیه ۲۱) پیروی کورکورانه از نیاکان (اعراف آیات ۶۵ تا ۷۲) شایعه‌پراکنی (نور آیات۱۱ تا ۱۶) و فساد و تباهی (اعراف آیه ۵۶) و کتمان حق و یا حقایق آسمانی (بقره آیه ۱۵۹ و ۱۶۰) و گناه (بقره آیه ۲۸۶) از جمله موانعی است که خداوند در این آیات اشاره کرده است.می‌توان در یک کلمه گفت که موانع رحمت عام و خاص همان اموری است که به عنوان کفر، شرک، نفاق، ظلم، فسق و فجور از آنها یاد می‌شود.

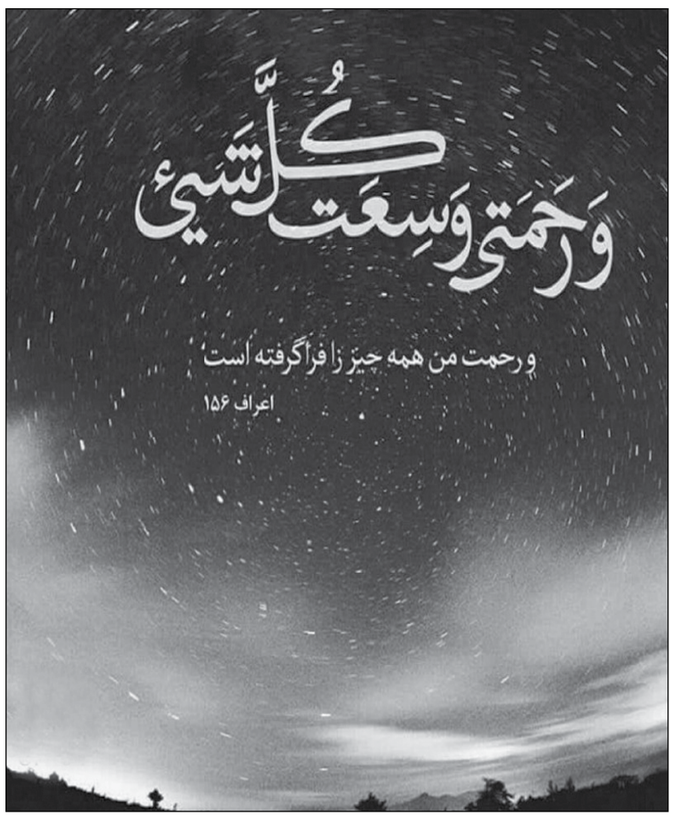

قرآن دوری از تجسس در عیوب و کاستی‌های مؤمنان و بدگمانی نسبت به یکدیگر، دوری از بدگویی در غیاب یکدیگر و استغفار و توبه را از جمله عللی برمی‌شمارد که زمینه مناسبی برای رحمت رحیمی فراهم می‌آورد.

آیه ۵ سوره طه، حاکمیت و اصالت رحمت الهی در نظام آفرینش را مطرح می‌کند که خود بیانگر اهمیت و ارزش رحمت در نظام هستی می‌باشد. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: گزینش عنوان رحمان، هنگام وصف خداوند به فرمانروایی جهان، بیانگر این معناست که تدبیر جهان بر اساس رحمت الهی انجام می‌پذیرد.

در یک کلمه می‌توان گفت ایمان واقعی و حقیقی و اطاعت محض از آموزه‌های قرآن و سنت بهترین زمینه‌ساز برای دستیابی به رحمت رحیمی است که در قرآن به آن اشاره شده است.

چراغ راه

عقوبت بی‌تفاوتی در برابر ظالم

قال‌النبی(ص): «ان الناس اذا رأوا الظالم فلم یأخذوا علی یدیه اوشک ان یعمهم الله بعقاب منه.».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: مردم آنگاه که ظالم را ببینند و او را بازندارند (از ظلم خود) انتظار می‌رود که خداوند همه را به عذاب خود گرفتار سازد.[1]

۱- نهج‌الفصاحه، ح ۸۳۳

حکایت خوبان

اهداف حکومت اسلامی

امام حسین(ع) فرمود: خداوندا! تو خود می‌دانی عملکرد ما نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم، یا از روی دشمنی و کینه‌توزی سخن بگوییم. لکن پیکار ما برای این است که پرچم آیین تو را برافراشته و بلاد بندگان تو را آباد سازیم، و به ستمدیدگان از بندگان تو امنیت بخشیم و احکام و سنن و فرائض تو را پیاده کنیم. و شما ای سردمداران! اگر ما را یاری و پشتیبانی نکنید، ستمگران بر شما چیره می‌شوند، و در خاموش کردن نور پیامبران شما می‌کوشند. ولی بدانید خداوند ما را کفایت خواهد کرد و توکل ما بر او است، و در مسیر او گام برخواهیم داشت و به سوی او بازخواهیم گشت.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۱۶۸

پرسش و پاسخ

ضرورت آفت‌شناسی و مقابله با آن(۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی، آفت‌شناسی در حیات فردی و اجتماعی انسان به چه میزان ضرورت و اهمیت دارد، و راهکارهای مقابله با آن چگونه است؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مباحثی همچون: ضرورت آفت‌شناسی، مفهوم آفت و چگونگی عمل آن، آفت‌شناسی در آموزه‌های وحیانی پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطالب را پی می‌گیریم.

انواع آفت‌ها

آفت‌ها را می‌توان به دو دسته اساسی تقسیم کرد: ۱- آفت‌های فردی: آفت‌هایی که متوجه شخص انسان است ۲- آفت‌های اجتماعی: آفت‌هایی که متوجه اجتماع و روابط اجتماعی انسان است. آفت‌های فردی دو نوع هستند: ۱- آفت‌هایی که متوجه هویت و حقیقت وجودی انسان است که عبارتند از: الف) آفت عقل انسان که پیروی از هوا و هوس نفسانی است ب) آفت ایمان انسان که شرک است ج) آفت یقین انسان که شک است د) آفت علم انسان که عمل نکردن به آن است هـ) آفت عمل انسان که نداشتن اخلاص است ۲- آفت‌هایی که متوجه خلق و خوی انسان است. این آفت‌ها عبارتند از: الف) آفت شجاعت که از دست دادن دوراندیشی است ب) آفت سخاوت که منت‌گذاری است ج) آفت پارسایی که کم قناعتی است د) آفت هیبت و شکوه که شوخی کردن است ۲) آفت‌های اجتماعی: آفت‌های اجتماعی دو گونه است: الف) آفت‌هایی که ناظر به بعضی کارهای اجتماعی است. این آفت‌ها را می‌توان در این موارد برشمرد: ۱- آفت مشاوره که شکستن آراء است ۲- آفت پیمان‌ها که زیر پا گذاشتن آنها است ۳- آفت امانتداری که خیانت است ۴- آفت معاش که سوء مدیریت است ۵- آفت ارتباط و سخن گفتن که پرگویی و دروغگویی است ب) آفت‌هایی که ناظر به بعضی عنوان‌های اجتماعی است که آنها را می‌توان در موارد زیر اشاره کرد: ۱- آفت زمامداران که بد رفتاری و ضعف سیاست است ۲- آفت دانشمندان که جاه‌طلبی است ۳- آفت قاضی که طمع است

مهم‌ترین آفت‌ها

۴- از میان آسیب‌شناسی آفت‌ها به دو آفت کلیدی‌تر و اهم اشاره می‌کنیم: ۱- آفت جان آدمی چیست؟ ۲- سرآمد همه آفت‌ها کدام است؟ در مورد آفت جان آدمی در روایات آمده است که آفت جان آدمی شیفتگی به دنیا (حب‌الدنیا) است و در مورد پرسش دوم یعنی سرآمد همه آفت‌ها شیفتگی به لذات دنیوی نام برده شده. بنابراین منشأ و سرچشمه همه آفت‌ها چیزی جز شیفتگی به دنیا و لذت‌های دنیوی نیست.

آفت دین

مقصود از آفت دین آن چیزی است که می‌تواند به دین یا باورهای دینی مردم آسیب بزند. در اینجا دو حدیث نقل می‌کنیم که به نظر می‌رسد یک حدیث از جنبه فردی به حدیث نگریسته است. یعنی به عاملی اشاره کرده که می‌تواند ضربه مهلکی به دین و اعتقادات دینی شخص بزند. حدیث دوم بیشتر ناظر به عقاید مردم و جنبه اجتماعی دین است. در بحث آفت فردی علی(ع) می‌فرماید: «آفة‌الدین سوء الظن» آفت دین بدگمانی است.(غررالحکم، ج ۳، ص ۱۰۱) بنابراین بدگمانی به خدا اساس دینداری فرد را متزلزل می‌کند و باید با علم و منطق زمینه‌های فردی و اجتماعی آن را از بین برد. اما در بحث آفت اجتماعی دین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «آفة‌الدین ثلاثة: فقیه فاجر، امام جائرو مجتهد جاهل» آفت دین سه چیز است: ۱- فقیه یا دانشمند دینی اهل گناه و بدکردار ۲- امام و پیشوای ستمکار ۳- مجتهد نادان و جاهل مقدس مآب (نهج‌الفصاحه، ج ۱، ص ۱۵۶) بنابراین اگر جامعه اسلامی گرفتار این نوع افراد شد، سبب می‌شود مردم نسبت به دین و ارکان اجتماعی آن بدبین و دچار شک و تردید شوند. در مراحل بعدی، بی‌تفاوتی نسبت به مسایل دینی و اجتماعی پدیدار خواهد شد،و در نهایت بستر اجتماعی جامعه به سمت و سوی جامعه سکولار و دین‌گریزی اجتماعی سوق پیدا خواهد کرد. از این رو راهکار مقابله با این آفات اصلاح دانشمندان، فقیهان و مجتهدان و امامان و پیشوایان و کارگزاران هر جامعه‌ای است که به تبع آن مردم آن جامعه نیز اصلاح خواهند شد. همان گونه که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند، امت من اصلاح خواهد شد و اگر فاسد شوند امت من فاسد خواهد شد. عرض شد: یا رسول‌الله! آن دو گروه کدامند؟ حضرت فرمود: فقیهان و دانشمندان و زمامداران (امت من). (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۴) بنابراین پیشگیری و درمان دو عامل کلیدی در جهت مقابله با آفات است که متناسب با هر آفتی تعریف و ساز و کار خاص خود را دارد.

سلوک عارفانه

نقش رسانه‌ها در مسخ انسان‌ها

رسانه‌های(تمدن جدید) وقتی چیزی را بخواهند، دائما به گوش آدم می‌خوانند، جلو چشم او می‌آورند، آن‌قدر می‌آورند که اصلا روح انسان را مسخ می‌کنند و انسان نمی‌تواند غیر از آن فکر کند.این مسئله مسخ انسان که در تمدن امروز وجود دارد هیچ زمانی مشابهش وجود نداشته است. الان به شکلی است که هیچ‌کس در انتخاب هیچ چیزی نمی‌تواند آزادی داشته باشد، با اینکه انسان امروز نسبت به جوامع گذشته در یک حد بالاتری از دانش و معرفت قرار دارد[1]

۱- مجموعه آثار شهید مطهری(ره)، (فلسفه تاریخ)، ج ۱۵، ص ۲۲۳